

جلوه‌هایی ناب از هنر سفالگری عصر قاجار

دکتر سیدهاشم حسینی*

استادیار باستان‌شناسی و هنر دوران اسلامی، دانشکده علوم انسانی (پرديس نمين)، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۲/۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۷/۳)

چکیده

هرچند در دوران قاجار بنا به دلایل مختلف داخلی و خارجی، با افول هنر سفالگری مواجه هستیم، اما این به معنای زوال کامل هنر سفالگری نبوده و ساخت بعضی از ظروف چینی با مشخصات متفاوت از ظروف وارداتی، اصالت هنری ایران را تداوم بخشیده است. وجود نمونه‌هایی شاخص از سفالینه‌های این عصر که اغلب در برخی از موزه‌های خارج از کشور مانند طارق رجب کویت و ویکتوریا و آلبرت لندن نگهداری می‌شود، شاهدهی است بر این مدعا. تحقیق حاضر تلاشی است در زمینه شناخت بهتر ابعاد مختلف هنر سفالگری عصر قاجار باتوجه به برخی از همین نمونه‌های شاخص که می‌توان از آنها با عنوان نمونه‌های درباری یاد کرد. در همین راستا مشخصات هنری و تزئینی تعدادی از این ظروف مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. باتوجه به نتایج تحقیق، علیرغم تداوم هنر سفالگری دوران صفوی و نیز برخی تأثیرات غرب در هنر سفالگری عصر قاجار، سفالینه‌های این دوره به لحاظ فرم، شیوه و نقوش تزئینی دارای مشخصات منحصر به فردی مانند تنوع بیشتر رنگ‌ها، غلبه نقوش انسانی بخصوص زنان بر سایر نقوش و... نیز می‌باشند که مجموع آنها لزوم تغییر دیدگاه در رابطه با وضعیت هنر سفالگری این عصر را الزامی و حتمی می‌نماید.

واژه‌های کلیدی

هنر سفالگری، عصر قاجار، فرم‌ها، شیوه‌های تزئین، نقوش تزئینی.

مقدمه

ثمن بخش از ایرانیان خریداری و راهی کشورهای خارجی می شد. حتی بعضاً اروپاییان افرادی از صنعتگران و سفالگران ایرانی را جهت تولید انبوه آثار به خدمت می گرفتند. به همین جهت تعداد بسیاری از این سفال ها، امروزه در موزه های کشورهای اروپایی نگهداری می شوند و تعداد آثار شاخص این دوران در ایران بعنوان سرزمین مادر و تولید کننده آنها بسیار کم است.

موضوع تحقیق پیش رو، وضعیت هنر سفالگری در این دوران باتوجه به برخی از نمونه های شاخص برجای مانده در موزه های داخل و خارج از ایران است. بدیهی است که بررسی مشخصات نمونه های مزبور به لحاظ فرم، تزیین و نوع نقوش، به درک و ارزیابی بهتر هنر سفالگری دوره قاجار کمک خواهد نمود. در همین راستا، ابتدا با استفاده از کتاب ها و مقالات تحریر یافته، وضعیت کلی هنر سفالگری این دوران به لحاظ مراکز و تکنیک های مهم ساخت و تزیین، مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه بیست و هشت نمونه از سفال های فاخر که از بین انواع مختلف رایج در این دوره انتخاب شده، معرفی و ویژگی های منحصر به فرد آنها بخصوص در زمینه نقوش تزیینی تجزیه و تحلیل می شود. لازم به ذکر است که نمونه های انتخاب شده جزء آثار مسلم این دوره محسوب شده و از ارائه نمونه های مشکوک که به تعداد فراوان در حراجی های خارج از کشور با نام ظروف دوران قاجار معرفی می شوند، اجتناب شده است. به هر حال از آنجا که تاکنون کار درخوری در رابطه با سفال عصر قاجار صورت نگرفته، امید است تحقیق کنونی گام نخستین در این مسیر باشد و تحقیقات بعدی، سایر زوایای ناشناخته این هنر را بیشتر و کامل تر نمایان سازد.

دوران قاجار با وجود اینکه نسبت به سایر ادوار اسلامی به دوره ما نزدیکتر است، اما در عین حال ناشناخته ترین دوره ها نیز محسوب می شود. نمی خواهیم در این مجال به دلایل این امر بپردازیم که آن خود مستلزم بحث و فرصتی دیگر است. یکی از مظاهر این عدم شناخت یا شناخت ناقص، وضعیت هنرهای مختلف، منجمله هنر سفالگری طی این دوران می باشد. حتی در مقایسه با برخی از هنرهای دیگر این دوره مانند معماری و نقاشی، باید ادعان نمود که اطلاعات بسیار کمی در مورد وضعیت این هنر داریم. تاجایی که در بررسی منابع هنر سفالگری دوران اسلامی به دوران قاجار که می رسیم با مطالب بسیار اندکی در حد چند سطر مواجه می شویم؛ گویی هیچ فعالیتی در این دوره در زمینه سفالگری صورت نگرفته است و یا تمام آثار سفالی از خارج وارد ایران شده و یا اینکه آثار مزبور آنقدر به لحاظ هنری و تکنیکی در سطح پایینی قرار دارند که ارزش پرداختن به آنها را ندارد.

یکی از علل اطلاعات کم ما در مورد سفالگری این دوره در تحولات جهانی معاصر با قاجاریان ریشه دارد. مصادف با این دوره عتیقه خران اروپایی در بین کشورهای باستانی و غنی و در عین حال عقب افتاده جهان در جستجوی آثار شاخص و زیبا برای انتقال به کشورهای خود بودند که آثار سفالی و کاشی ایران از جمله این آثار بودند. آنها در جهت نیل به این هدف، به دو شیوه رسمی و غیر رسمی اقدام می کردند. شیوه رسمی آن در قالب قراردادهای امتیازاتی بود که از شاهان قاجار دریافت می کردند و نوع غیر رسمی آن نیز ریشه در وضعیت بد اقتصادی مردم و ناتوانی حکومت قاجار در کنترل مرزهای کشور داشت که طی آن بسیاری از آثار هنری به

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی

وضعیت هنر سفالگری در دوران قاجار

اساسی از آثار هنری و صنایع دستی تحلیل می برد. علاوه بر این طی این دوره، عرضه فراوان کالاهای وارداتی به ایران نیز تاثیر مخربی بر هنرها و صنایع مختلف داشت.

همین ویژگی در مورد تولیدات سفالی نیز مصداق داشته و اغلب سفال های داخلی، توان رقابت خود را با نمونه های وارداتی از دست دادند؛ تاجایی که رفته رفته تکنیک و شیوه های هنر سفالگری ادوار باشکوه قبلی سفالگری ایران از یاد رفت. مواد و ترکیبات و اکسیدهای معدنی، لعاب ها، درجات پخت سفال و لعاب و در پی آن اسرار چینی پزی و کاشیکاری و لعاب های جلادار ادوار سلجوقی تا صفوی در گذر زمان متروک گردید (کامبخش فرد، ۱۳۸۳، ۴۹۱). همچنین دقت و ظرافتی که در دوران صفویه نسبت به تهیه ظروف سفالی

با در نظر گرفتن تمام عوامل و شرایط تاریخی و جهانی، باید هنر عصر قاجار را بخصوص در اواسط این دوره، از دوران های قابل قبول هنر ایرانی دانست. قاجارها از سویی معاصر اروپاییان استعمارگری بودند که به واسطه تحولات صنعتی در جستجوی منابع اولیه و نیز بازار مصرف برای تولیدات کارخانه های خود بودند و لذا در جهت نیل به اهداف خود از روش ها و سیاست های جدید و پیچیده استعماری بهره می بردند که نه تنها برای دولتمردان قاجار بلکه برای سایر کشورهای غیر اروپایی آن روز جهان ناشناخته بود. و از سوی دیگر گرفتار درسرهایی چون حملات ترکمنان و اقوام مهاجم و شورش های محلی در شهرهای مختلف بودند (گرت، ۱۳۴۸، ۲۹-۲۸) که توان حکومت آنها را برای حمایت

این دوره بوده و با تعیین آن به عنوان پایتخت، به مرکز هنری جدید تبدیل شده است. باتوجه به آثار برجای مانده، شهرهای اصفهان و شیراز که در دوره صفوی از مراکز مهم تولید ظروف سفالی بودند نیز همچنان به فعالیت خود در حجم و کیفیت پایین تر ادامه می‌دادند و مراکز نوظهوری مانند همدان و نایین نیز بخشی از تولیدات را به خود اختصاص داده بودند. تا سال‌های پایانی دوران قاجار در شهر نایین ظروف سفالی مختلف به اشکال کاسه، کوزه و سبو با خمیره نخودی رنگ ساخته و با تنوع رنگی از صورتی روشن، آبی، زرد، سبز و سیاه تزیین می‌یافت.^۲

تقریباً همان وضعیت نابسامان و عدم اطلاعات دقیق در زمینه مراکز سفالگری دوران قاجار در مورد گونه‌های سفالی رایج در این دوره نیز صادق است. باتوجه به اطلاعات موجود به غیر از سفال‌های بدون لعاب، که عملاً بدون تغییر در شکل و کیفیت ساخته می‌شدند، سایر ظروف لعابدار را می‌توان به انواع زرین فام، ظروف با نقوش رنگارنگ، ظروف مرمینا، ظروف آبی-سفید و نیز گامبرون تقسیم نمود.

شیوه زرین فام که طی دوره صفوی احیا شده بود، در دوره قاجار به دلیل استقبال فراوان اروپاییان از این فن و علاقه آنها به گردآوری نمونه‌های نخستین زرین فام در ایران، مجدداً رواج یافت. نمونه‌ای از این ظروف، کاسه‌ای در موزه هتینز دوسلدورف آلمان به امضای سفالگری به نام محمد یوسف و تاریخ ۱۲۱۲ ه.ق است که نقوش تزیینی آن عمدتاً گل و گیاه مایل به قرمز در زمینه آبی در زیر لعاب است (واتسون، ۱۳۸۲، ۲۴۵). به نظر می‌رسد بیشتر آثار زرین فام برجای مانده از این دوران توسط «علی محمد» سفالگر اصفهانی ساخته شده باشد که به پیشنهاد یک سرلشکر انگلیسی به نام مرداک^۳ اسمیت به تهران مهاجرت و اقدام به تولید نمونه‌های سفارشی برای وی کرده است.^۴ بیشتر آثار «علی محمد» از سبک سیال و ملهم از اروپای سده نوزدهم ایران نشأت گرفته است. اما چند نمونه از این آثار، اقتباس از نمونه‌های تاریخ میانه بود که احتمالاً برای جایگزینی آثار آسیب دیده اصلی و یا فریفتن مشتریان ساخته شده است. وی به درخواست مرداک رساله‌ای درباره روش‌های کار خود نوشت که رساله مزبور در سال ۱۸۸۸ م. با عنوان «درباره روش تولید ظروف و کاشی‌های نوین»^۵ در اروپا انتشار یافت. البته وی در این رساله، توجه خود را بیشتر به ظروف با نقوش زیر لعابی معطوف داشته و از ذکر اطلاعات در مورد شیوه زرین فام اجتناب کرده است (بلر و بلوم، ۱۳۸۱، ۸۱۳). لازم به ذکر است که رنگ‌های نقوش زرین فام صفوی از قهوه‌ای شکلاتی [قهوه‌ای تیره] تا قرمز مسی [قرمز متمایل به قهوه‌ای] را شامل می‌شد در حالی که در دوره قاجار رنگ‌های زرین فام تقریباً، به صورتی متمایل شد (فهروری، ۱۳۸۸، ۷۵).

گونه سفال با نقوش رنگارنگ را باید حاصل الگوبرداری سفالگران ایرانی این دوره از سفالگری عثمانی دانست. سفالگران دوره قاجار بطور گسترده‌ای از مزایای سفال ایزنیک و تاحدی کوتاهیه بهره‌مند می‌شدند و شکل، طرح و رنگ‌های مشابه مورد استفاده در سفال‌های این مناطق را بکار می‌بردند. ظروف با نقوش رنگارنگ

بکار می‌رفت در این دوره رعایت نمی‌شد (همان، ۴۸۹). آرتور لین از محققین هنر اسلامی یکی از دلایل این امر و کیفیت پایین تر آثار سفالی در مقایسه با کاشی‌کاری‌های این دوره را علاوه بر حجم و کیفیت فنی بالاتر نمونه‌های وارداتی، تقاضای بالا برای کاشی‌های تزیینی برای آثار معماری دوره قاجار می‌داند؛ بدین معنی که بهترین طرز کار و طراحی، صرف تولید آنها می‌شد (Lane, 1971, 91).

در رابطه با بررسی هنر سفالگری دوران قاجار باید به چند نکته توجه داشت. اول آنکه در کنار عوامل مختلف، یکی از عوامل مهم در افول هنر سفالگری کشور ایران در این زمان، موفقیت کشورهای اروپایی در زمینه تولید ظروف چینی بود. به عبارت دیگر پس از آنکه آنها با فنون ساخت پرسلین یا ظروف چینی آشنایی یافتند، از واردکننده ظروف چینی به تولیدکننده آن تبدیل شدند و بالتبع ایران جایگاه مهم خود در تولید و فروش نمونه‌های صادراتی به اروپا را که در دوران صفوی بدست آورده بود از دست داد. نکته مهم دیگر فاصله و تفاوت نمونه‌های درباری با نمونه‌های تولید شده برای عموم طبقات جامعه در این دوره است. زیرا به علت وضعیت بد اقتصادی و فقر عمومی جامعه، اغلب مردم قادر به تامین هزینه‌های ساخت سفالینه‌های با کیفیت مرغوب نبودند. بنابراین نمونه‌های مرغوب این دوره به لحاظ فرم، لعاب و نقوش تزیینی را باید نمونه‌های ساخته شده به سفارش دربار و درباریان قاجار دانست. به نظر می‌رسد طی دوره قاجار مراکز سفالگری متعددی وجود داشته که بعضی از این مراکز از ابتدا تا پایان حکومت قاجار بصورت مستمر دایر بوده و بعضی دیگر تنها در ابتدا، اواسط یا پایان این دوره رونق داشته‌اند. محققین هنر سفالگری از شهرهای مختلفی بعنوان مراکز سفالگری این دوره یاد کرده‌اند. از جمله مرحوم کامبخش فرد شهرهای کرمان، نطنز، ساوه، کاشان، قم، و بعضی از شهرهای خراسان و آذربایجان را بعنوان تنها شهرهای ایران که در این دوره کارگاه‌های سفالگری داشتند معرفی کرده است (کامبخش فرد، ۱۳۸۳، ۴۸۹).

فهروری، عمده ترین مرکز تولید سفال در اوایل این دوره را بخصوص در تولید کاشی‌ها و ظروف ظریف، شهر اصفهان معرفی کرده که در اواسط دوران قاجار، شهر تهران جایگزین آن می‌شود. وی همچنین شهرهای شیراز، نطنز، همدان، تبریز و بطور مشخص شهر نایین را از دیگر مراکز مهم این دوره می‌داند و معتقد است که اغلب ظروف لعابدار تکرنگ در شهر همدان تولید می‌شده است (فهروری، ۱۳۸۸، ۷۵). آرتور لین نیز شهرهای تهران، شیراز، اصفهان، و پس از آن نایین را مراکز اصلی تولید سفال دوره قاجار می‌داند (Lane, 1971, 91). در اواخر این دوره نیز ساخت ظروف سفالی با تزیینات محلی در شهرهای یزد، همدان، شهرضا، زنجان، سیستان و بلوچستان، خراسان و کرمان، اصفهان، شیراز و تبریز متداول گردیده است (توحیدی، ۱۳۷۹، ۲۸۸).

در مجموع می‌توان گفت یکی از دلایل مشخص نبودن قطعی مراکز تولید سفال دوره قاجار، عدم مطالعه و طبقه‌بندی دقیق سفال این دوره است. اما آنچه مسلم است شهر تهران بعنوان پایتخت قاجاریان به مانند پایتخت‌های ادوار قبل یکی از مراکز مهم سفالگری



تصویر ۲- گلدان قاجاری با نقوش چند رنگ آبی، سبز، زرد و مشکی واقع در موزه طاروق رجب.

ماخذ: (Fehrevari, 2000)



تصویر ۱- گلدان کوچک زرین فام با نقوش قهوه ای و آبی کبالت واقع در موزه طاروق رجب کویت.

ماخذ: (Fehrevari, 2000)

۳- گلدان لعابدار واقع در موزه ملی ایران به ارتفاع ۳۵ و قطر دهانه ۱۴ سانتی متر با نقوش آبی در زمینه سفید شامل تصاویر انتزاعی دو نوع درخت یکی با شاخه های پر پیچ و خم و دیگری با شاخه های مستقیم شبیه سرو در داخل قاب های مجزای متناوب (تصویر ۳)- متعلق به سده ۱۲ هجری.

۴- گلدان لعابدار واقع در موزه ملی ایران به ارتفاع ۳۵ و قطر دهانه ۱۲ سانتی متر با نقوش آبی در زمینه سفید شامل تصاویری از پسران جوان و احتمالاً شاهزادگان قاجاری در داخل قاب هایی شبیه قلب با زمینه سفید که در قسمت بالای آنها و در سمت چپ و راست یک شاخه گل سفید رنگ قرار گرفته است (تصویر ۴)- متعلق به سده ۱۲ هجری.



تصویر ۴- نمونه دیگری از گلدانهای لعابدار با نقوش آبی در زمینه سفید واقع در موزه ملی ایران. ماخذ: (کامبخش فرد، ۱۳۸۳)



تصویر ۳- گلدان لعابدار با نقوش انتزاعی گیاهی آبی در زمینه سفید واقع در موزه ملی ایران. ماخذ: (کامبخش فرد، ۱۳۸۳)

۵- نمونه ای دیگر از گلدان های قاجاری واقع در موزه طاروق رجب با نقوش سیاه و آبی کبالت به ارتفاع ۳۲/۵ و قطر دهانه ۱۲/۸ سانتی متر. بدنه این گلدان در قسمت پایین تقریباً بصورت استوانه ای باریک است که هرچه به طرف بالا می آید بازتر می شود. همچنین دارای گردن خیلی کوتاهی است که به سختی قابل مشاهده است (تصویر ۵). نمونه های این نوع فرم احتمالاً به تقلید از گلدان های مشابه آبی- سفید اواخر صفوی ساخته شده است. تزیینات نقاشی این گلدان به رنگ آبی سایه دار صورت گرفته و طرح ها با رنگ سیاه دورگیری شده اند. تزیینات دربرگیرنده نقوش یک زن ایستاده و مردی زانو زده در حال نیایش کردن در میان گل و بوته است. در جلو مرد، سجاده و در دست راستش

اغلب از ترکیب خمیر شیشه سفید یا خاکستری ساخته می شد و تزیین آنها شامل نقاشی چند رنگ در زیر لعاب شفاف بود. محدوده رنگ ها گسترده بود و شامل موارد جدیدی مانند صورتی، ارغوانی و حتی نارنجی می شد. در ظروف و کاشی های ظریف تر، الگوهای عمده بصورت برجسته، قالب گیری شده و با رنگ های منگیزی، سیاه یا قرمز دورگیری می شدند (Fehrevari, 2000, 295).

اما یکی از کمتر شناخته شده ترین و نادرترین گونه های سفال ایرانی، ظروف مرمینا می باشد که برای تمایز از ظروف لعاب پاشیده قرون اولیه اسلامی، مناسب تر است آن را ظروف لعاب پاشیده جدید بنامیم. متأسفانه اطلاعات بسیار کمی در مورد این گونه سفال وجود دارد. طی حفاری های غیرا و در بین بقایای سکونت های اواخر صفوی تا اوایل قاجار دو یا سه قطعه سفال از این نوع بدست آمده است. از جمله مشخصات مهم این دسته می توان به لعاب های براق زرد یا خردلی و نقوش انتزاعی بسیار محدود به رنگ تیره اشاره کرد (Ibid, 289).

علاوه بر سفال های فوق، ساخت و تولید ظروف آبی- سفید و نیز گامبرون در این دوره همچنان ادامه داشته است اما تولید آن از مرغوبیت و کیفیت دوران صفوی برخوردار نبوده است. استفاده از رنگ لاجوردی تیره روی زمینه سفید، ظروف آبی- سفید این دوره را از ظروف صفوی متمایز می کند. طی این دوره همچنین نوعی ظروف جدید از خانواده آبی- سفید با نقوش آبی رنگ مایل به سیاه و تزیین مشبک با لعاب شفاف در شهر نایین ساخته می شد (توحیدی، ۱۳۷۹، ۲۸۸).

بررسی نمونه ها

الف- گلدان ها:

۱- گلدان کوچک زرین فام در موزه طاروق رجب کویت به ارتفاع ۱۲/۵ و قطر دهانه ۵ سانتی متر- این ظرف از نمونه های معدود زرین فام دوران قاجار محسوب می شود که دارای تزیین سراسری از نقوش گیاهان طوماری به رنگ تقریباً طلایی مایل به صورتی در زیر لعاب شفاف بر روی زمینه سفید است. همچنین چهار قاب لوزی شکل چند بخشی، توام با زوائد برگ مانند کوچک به رنگ آبی در بالا و پایین وجود دارد که هر کدام از این قاب ها با نقش چهار گلبرگ تزیین یافته است (تصویر ۱).

۲- گلدان با نقوش چند رنگ واقع در موزه طاروق رجب به ارتفاع ۲۷ و قطر دهانه ۱۱/۸ سانتی متر- دارای بدنه تخم مرغی شکل و گردن و پایه کوتاه مدور. تزیین بدنه شامل چهار قاب بزرگ متشکل از نقوش گیاهی است که هر یک با یک شاخه کوچک به رنگ ارغوانی و آبی روشن پر شده و طرح ها با رنگ سیاه دورگیری شده است. محدوده واقع در بین قاب های مزبور نیز هم در بالا و هم در پایین با گل های شکوفا مزین هستند. شکل این نوع گلدان ها که در دوره قاجار بسیار رایج بودند ممکن است از نمونه های مملوکی سوریه نشأت گرفته باشد. محل ساخت احتمالاً شهر اصفهان (تصویر ۲).



تصویر ۷- گلدان قاجاری با نقوش چند رنگ واقع در موزه طاروق رجب. (Fehrevari, 2000)
تصویر ۸- نمونه دیگری از گلدانهای با نقوش چند رنگ در موزه طاروق. (Fehrevari, 2000)

ب- کاسه‌ها:

۹- کاسه بزرگ، با بدنه گشاد و لبه کمی برگشته، و پایه کوتاه مدور به ارتفاع ۸ و قطر دهانه ۲۲ سانتی متر مربوط به اوایل دوره قاجار واقع در موزه طاروق رجب (تصویر ۹). این ظرف دارای تزیینات گسترده‌ای از نقوش آبی کبالتی و سیاه در زیر لعاب شفاف است. یک گل پنج‌گلبگی در مرکز ظرف قرار گرفته که بوسیله پیچک‌های گیاهی و سه رزت دربرگرفته شده است. در جداره داخلی ۱۱ فضای ابری شکل کوچک با زمینه سفید به فواصل تقریباً یکسان وجود دارد که در داخل هریک از آنها بخشی از عبارات کتیبه‌ای شکسته با مضمون: آبی، بنوش، لعنت، حق بر، یزید، کن جا، نرافدا، ی مر، قد شاه، شهید، کن نوشته شده است. در بین هریک از این فضاهای ابری شکل، گل‌های سه و چهار گلبگی وجود دارد و یکسری از گل‌های آبی رنگ نیز لبه را تزیین می‌کنند. در بدنه بیرونی ظرف دو باند از پیچک، یکی در بالا و دیگری در پایین وجود دارد که بوسیله سه گل عمودی قطع می‌شوند. این ظرف از خانواده ظروف ساخته شده در شهر نایین محسوب می‌شود که بعضاً دارای تزیین مشبک می‌باشند.

۱۰- کاسه‌ای از جنس خمیر شیشه‌ای واقع در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن به ارتفاع ۱۱/۱ و قطر: ۱۹/۷ سانتی متر که در سطح داخلی دارای تزیینات ستاره‌ای شکل در داخل قاب‌هایی با زمینه سفید و کتیبه فارسی سیاه رنگ در کف می‌باشد (تصویر ۱۰). کتیبه که در دو ردیف متقاطع و در داخل فضاهای ابری شکل نوشته شده دارای مضمون کتیبه ظرف قبلی است: آبی بنوش لعنت حق بر یزید کن جانرا فدای مرقد شاه شهید کن. همچنین عبارات سلام الله علی الحسن و الحسنین در چهار طرف کتیبه نوشته شده است (Lane, 1957, 101-107).



تصویر ۱۰- کاسه خمیر شیشه‌ای با تزیین کتیبه‌ای به رنگ سیاه واقع در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن. (سایت اینترنتی موزه: <http://www.vam.ac.uk>)



تصویر ۹- کاسه بزرگ، با نقوش سیاه و آبی کبالت از ظروف نایین واقع در موزه طاروق رجب. (Fehrevari, 2000)

تسبیح مشاهده می‌شود. همچنین نقش یک فرشته با تاجی بر سر در نزدیک نقوش فوق و یک باند تزیینی گیاهی در بالا و پایین وجود دارد. بخاطر وجود فرشته با تاج، زوج جوان می‌توانند از شخصیت‌های برجسته قاجاری باشند. فهروری از محققین هنر سفالگری اسلامی معتقد است سبیل بلند این مرد می‌تواند ارائه‌کننده فتحعلیشاه قاجار احتمالاً در زمان ولیعهدی و قبل از پادشاهی باشد. وی علاوه بر سبیل‌ها استدلال می‌کند که نقش فتحعلیشاه مکرراً در نقاشی‌های بزرگ رنگ روغنی و نقاشی‌های لاک‌تریسیم شده بود؛ بنابراین ترسیم پرتره‌وی بر روی یک ظرف سفالی نباید زیاد عجیب باشد (Fehrevari, 2000, 298).

۶- نمونه‌ای از گلدان‌های منقوش چند رنگ در موزه طاروق رجب به ارتفاع ۱۹/۵ و قطر دهانه ۹/۵ سانتی متر که دارای بدنه مدور گشاد، گردن کوتاه و لبه برگشته است (تصویر ۶). تزیین شامل نقش زن جوان نشسته در منظره گل و بوته است که با نقوش پرندگان در حال پرواز احاطه شده است. باتوجه به مشخصات پوشش و نوع کلاه زن، احتمالاً تحت تاثیر نقاشی غربی ترسیم شده است. به درستی مشخص نیست که این نوع ظروف منقوش در اصفهان ساخته می‌شدند یا در تهران (Ibid, 301).



تصویر ۵- گلدان قاجاری با نقوش سیاه و آبی کبالت در موزه طاروق رجب. (Fehrevari, 2000)
تصویر ۶- گلدان قاجاری با نقوش چند رنگ واقع در موزه طاروق رجب. (Fehrevari, 2000)

۷- گلدان با نقوش رنگارنگ در موزه طاروق رجب به ارتفاع ۲۸/۵ و قطر دهانه ۱۴/۸ سانتی متر (تصویر ۷) که تزیینات آن شامل تصاویر یک زوج جوان است که با نقوش گل و بوته و درخت در بر گرفته شده‌اند. طرح بصورت چندرنگ ارائه شده و مرد جوان در حال نواختن یک آلت موسیقی‌تار مانند است. در سمت دیگر گلدان نیز نقش زن جوانی مشاهده می‌شود که یک بطری در دست چپ و یک کیسه در دست راست خود نگه داشته است.

۸- گلدان منقوش چند رنگ دیگری در موزه طاروق رجب به ارتفاع ۲۶/۵ سانتی متر و قطر دهانه ۱۰/۷ سانتی متر. بدنه زیبای این گلدان که از طرف پایین به بالا بزرگتر می‌شود به گردن استوانه‌ای و لبه‌ای با دهانه برگشته ختم می‌شود (تصویر ۸). خطوط عمودی منقوش آبی کبالتی، سطح بدنه این ظرف را به چهار قاب تقسیم می‌کند که هر کدام بطور متناوب با نقش یک بانوی نشسته و یک پرنده در حال فرود تزیین شده است. جالب‌ترین مشخصه ظرف مزبور این است که به جای دسته از شکل برجسته دو حیوان استفاده شده که سرهایشان بطرف پایین قرار گرفته است.

۱۴- کاسه خمیر شیشه با نقوش رنگارنگ واقع در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن به ارتفاع ۱۱/۷ و قطر ۳۱/۱ سانتی متر (تصویر ۱۴) که توسط هنرمند سفالگر علی اکبر شیرازی در شهر شیراز ساخته شده است. این ظرف که به صنایع الدله نسبت داده شده، در سطوح داخلی و بیرونی دارای نقاشی هایی از افراد ایرانی، گل ها، پرندگان و حشرات به تقلید از طرح چینی می باشد. کف داخلی آن نیز با نقش شیر و خورشید ایرانی نقاشی شده است. این اثر توسط استاد علی اکبر شیرازی با تاریخ ۱۲۶۲ ه. ق امضاء شده است (Watson, 2006, 333-362). در ظروف ساخته شده طی اواخر دوران قاجار در شهر نایین، طرح های نشات گرفته از پرسین های خانواده رز چینی مانند پروانه، حاشیه های گیاهی و گروه هایی از پاگوداها که در آنها مردمی با لباس چینی حضور داشتند، نسبتاً مورد علاقه بودند. نمونه های معدودی مانند این کاسه با استاندارد بالاتر و با صحنه هایی از زنان و مردان ایرانی در داخل قاب هایی از مناظر زندگی روستایی نقاشی شده اند (Lane, 1971, 62b).



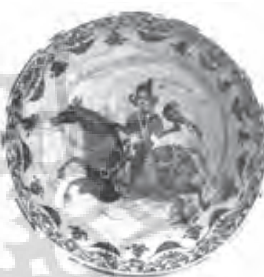
تصویر ۱۴- نمونه دیگری از کاسه با نقوش رنگارنگ ساخت شیراز واقع در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن. ماخذ: (سایت اینترنتی موزه)



تصویر ۱۳- کاسه خمیر شیشه با نقوش رنگارنگ در قابهای مختلف واقع در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن. ماخذ: (سایت اینترنتی موزه)

۱۱- کاسه خمیر شیشه واقع در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن به ارتفاع ۱۰/۸ و قطر: ۱۵/۲ سانتی متر با نقوش آبی بر زمینه سفید و بدنه کروی شکل که در قسمت دهانه حالت مخروطی یافته است (تصویر ۱۱). تزیینات شامل نقوش زیر لعاب یک زن و مرد درباری به رنگ آبی در میان زمینه متراکم گیاهی است. ظرف مزبور دارای دو دسته افقی کوچک با سوراخ های ریز در نزدیک دهانه می باشد که احتمالاً برای عبور طناب تعبیه شده است (Ibid, 96-7).

۱۲- کاسه سفالی بدل چینی از خمیر نخودی رنگ، واقع در گالری هنری آرتور ساکلر نیویورک به ارتفاع ۱۳/۲ و قطر ۳۲/۷ سانتی متر. دارای زمینه سفید با نقوش سیاه و آبی گل و برگ انتزاعی در لبه داخلی و نقش مردی سوار بر اسب (احتمالاً یک شاهزاده قاجاری) با شاهینی که بر روی دست او نشسته است در کف داخلی. اسب در حالت چهار نعل و به رنگ آبی ترسیم شده و سوارکار نیز کلاه و پوششی مشابه لباس نظامی های دوران قاجار بر تن دارد. محل ساخت نامعلوم، قرن ۱۳ ه. ق (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۲- کاسه سفالی بدل چینی از خمیر نخودی رنگ واقع در گالری هنری آرتور ساکلر نیویورک. ماخذ: (سایت اینترنتی موزه: <http://www.asia.si.edu>)



تصویر ۱۱- کاسه خمیر شیشه با نقوش آبی بر زمینه سفید واقع در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن. ماخذ: (سایت اینترنتی موزه)

۱۵- کاسه کوچکی از ظروف مرمزما به ارتفاع ۴ و قطر ۱۸ سانتی متر واقع در موزه طارق رجب که دارای بدنه صاف، لبه برگشته و کف تخت نسبتاً برجسته است (تصویر ۱۵). ظرف مزبور از خمیر قرمز ساخته شده و از هر دو طرف با لعاب گلی خردلی رنگی پوشیده شده است. در مرکز و بر روی لعاب گلی نیز، نقوش یک گل سه برگه با لعاب های پاشیده منگیزی و سبز طراحی شده است. همچنین یک باند سبز رنگ در اطراف نقوش مزبور امتداد می یابد.

۱۶- ظرف بعدی نیز مجدداً کاسه ای از ظروف مرمزما به ارتفاع ۶/۵ و قطر دهانه ۱۸/۵ سانتی متر واقع در موزه طارق رجب است که به لحاظ مشخصات بدنه و لبه مشابه کاسه قبلی است (تصویر ۱۶). اما این نمونه دارای کف حلقوی است و خمیره قرمز رنگ بدنه آن در هر دو طرف با لعاب گلی زرد رنگ پوشیده شده است. در داخل آن هم پاشه های سبز هاشور مانند بصورت سه خط ممتد در کنار هم دیده می شود. همچنین نقش انتزاعی یک گل در یک قسمت جداره داخلی و حد فاصل بین تزیینات هاشوری وجود دارد که متاسفانه رنگ سبز در طی حرارت، آسیب دیده است. در غیاب مواد قابل مقایسه، به استثنای چند تکه معدود از غیرا، ظروف

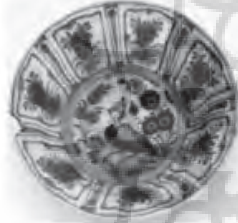
۱۳- کاسه بزرگ خمیر شیشه با نقوش رنگارنگ واقع در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن به ارتفاع ۱۸/۴ و قطر ۴۱/۹ سانتی متر با تصویر منظره، نقوش انسانی و گل ها در زیر لعاب شفاف (تصویر ۱۳) - تاریخ ساخت: ۱۲۶۲ ه. ق - (Soustiel, 1985, 305). نقوش تزیینی بصورت متراکم در داخل قاب های متعدد و به رنگ های مختلفی صورت گرفته است. در قسمت بیرونی ظرف از پایین به بالا ابتدا یکسری نقوش قطاری لوزی شکل با زمینه سفید و نقاط سیاه رنگ در داخل آنها مشاهده می شود. در قسمت بالاتر، قاب های تزیینی افقی با نقش زن هایی که گلی در دست دارند و قاب هایی محتوی یک بوته گل بزرگ بصورت متناوب وجود دارد. در بالای این قاب ها تا نزدیک لبه نیز مناظری از حضور زنان و مردان متعدد در کنار درختان، حیوانات و خانه هایی به رنگ های مختلف نقاشی شده است. تزیین داخل کاسه نیز متضمن نقش یک زن درباری نشسته و فرد دیگری در مقابل او ولی کوچکتر و پایین تر از نقش زن درباری است. سبک تزیین بواسطه مشابهت به مناظر نقاشی های اروپایی کاملاً نشان دهنده تأثیرپذیری سفالگری این دوران از سبک های اروپایی است.

شده است. جداره داخلی این ظرف نیز به سبک یکسری از بشقاب‌های آبی-سفید صفوی معروف به صحن و نیم صحن، دارای تزیینات گل و گیاه در داخل هفت قاب بزرگ است که حداثاها هفت قاب کوچک تر با نقش خط ممتد آبی رنگ قرار گرفته است. نکته جالب توجه در مورد این قاب‌ها، پوشاندن نقوش گل‌ها با رنگ تیره است (تصویر ۱۹). نوع کلاهی که بر سر هارپی مشاهده می‌شود مشابه بعضی از کلاه‌های دوران قاجار است به همین دلیل می‌توان آن را به دوره قاجار نسبت داد. همچنین با توجه به مشابهت بسیار زیاد تکنیکی و تزیینی با نمونه‌های دوره صفوی، احتمالاً در اوایل دوران قاجار ساخته شده است.

۲۰- بشقاب منقوش رنگارنگ واقع در موزه ملی ایران به قطر ۲۵/۵ سانتی متر با نقش گل سرخ بزرگ و برگ‌هایی به رنگ تیره در کف داخلی و گل‌های سرخ کوچک تر بر روی لبه داخلی. برای جداکردن نقش مرکزی از نقوش لبه، از دایره‌ای تیره رنگ در حد فاصل آنها استفاده شده و دایره تیره بزرگتری در حاشیه لبه نیز نقوش گل‌های روی لبه را دربر گرفته است. متعلق به سده ۱۲ هجری (تصویر ۲۰).



تصویر ۲۰- بشقاب لعابدار با نقوش رنگارنگ گل و گیاه واقع در موزه ملی ایران. ماخذ: (کامبخش فرد، ۱۳۸۳)



تصویر ۱۹- بشقاب آبی-سفید با تصویر هارپی واقع در گالری هنری آرتور ساکلر نیویورک. ماخذ: (سایت اینترنتی موزه)

۲۱- بشقاب لعابدار واقع در موزه ملی ایران به قطر ۲۸ سانتی متر با نقوش آبی کبالت در زمینه سفید شامل تصویر ناصرالدین شاه قاجار در کف داخلی که توسط نقوش گل و برگ‌های جدا شده در داخل دو قاب جداگانه بزرگ و کوچک در بر گرفته شده است. تصویر ناصرالدین شاه در این ظرف کاملاً مشابه و قابل مقایسه با تصاویری از وی است که در روی پایه‌های قلیان‌های شیشه‌ای اوایل قاجار دیده می‌شود. متعلق به سده ۱۳ هجری (تصویر ۲۱).

۲۲- بشقاب خمیر شیشه‌ای با نقوش آبی در زیر لعاب واقع در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن به قطر ۲۵/۱ سانتی متر که در سطح داخلی دارای نقوش گل‌های آبی رنگ در مرکز و یک طرح سراسری مشابه در اطراف آن بر روی زمینه سفید است. سطح داخلی لبه نیز دارای لعاب قهوه‌ای و تزیینات کنده کاری معروف به اسگرافیتو است که همه این تزیینات در زیر لایه‌ای از لعاب شفاف قرار گرفته است (تصویر ۲۲). با توجه به کتیبه روی ظرف در تاریخ ۱۲۸۱. ه. ق و توسط استاد محمد نصر ساخته شده است. متن کتیبه: «عمل محمد نصر ۱۲۸۱ ه. ق.» (Lane, 1957, 101 & 107).

لعاب پاشیده جدید یا مرمرنمای فوق را می‌توان به اواسط تا اواخر دوران قاجار نسبت داد. تازمانی که نمونه‌های بیشتر و بخصوص نمونه‌های تاریخ دار یا قابل تاریخ گذاری بدست نیاید، نمی‌توان منشأ و تاریخ دقیق ساخت این ظروف را تعیین کرد.



تصویر ۱۶- نمونه دیگری از ظروف مرمرنما با نقش متفاوت واقع در موزه طارق رجب.

ماخذ: (Fehrevari, 2000)



تصویر ۱۵- کاسه کوچک مرمرنما یا لعاب پاشیده مدرن در موزه طارق رجب.

ماخذ: (Fehrevari, 2000)

۱۷- کاسه لعابدار یکرنگ از جنس خمیر سنگ واقع در گالری هنری آرتور ساکلر نیویورک به قطر ۱۴/۹ سانتی متر با تزیینات قالبی برجسته به شکل گل لوتوس در بدنه خارجی از لبه تا نیمه بدنه ظرف در چهار ردیف افقی (تصویر ۱۷). این ظرف نشان دهنده ویژگی‌های ظروف با لعاب یکرنگ دوران قاجار است.

۱۸- کاسه واقع در گالری هنری آرتور ساکلر نیویورک به ارتفاع ۱۰/۲ و قطر ۲۹/۴ سانتی متر (تصویر ۱۸). دارای نقوش تزیینی رنگارنگ بر روی زمینه نخودی مشتمل بر نقش انتزاعی یک گاو سیاه رنگ در کف داخلی که با ردیفی از شش شتر سبز و قهوه‌ای احاطه شده است. این ظرف از نمونه‌های تقلیدی از ظروف با نقوش رنگارنگ بر روی لعاب گلی نیشابور در قرون سه و چهار هجری محسوب می‌شود که در اواخر دوره قاجار و احتمالاً به سفارش خریداران اروپایی ساخته شده است.



تصویر ۱۸- کاسه ساخته شده به تقلید از ظروف لعاب گلی رنگارنگ نیشابور واقع در گالری هنری آرتور ساکلر نیویورک.

ماخذ: (سایت اینترنتی موزه)



تصویر ۱۷- کاسه لعابدار یکرنگ با تزیینات قالبی واقع در گالری هنری آرتور ساکلر نیویورک.

ماخذ: (سایت اینترنتی موزه)

ج- بشقاب‌ها:

۱۹- بشقاب آبی-سفید خمیر سنگی واقع در گالری هنری آرتور ساکلر نیویورک به قطر ۱۶/۶ سانتی متر با نقاشی زیر لعاب یک هارپی با سر انسان و بدن پرنده در کف داخلی ظرف که به جز نقش سر و بال‌ها، سایر قسمت‌ها با رنگ تیره صورت گرفته است. در کنار هارپی نیز نقوش گل و گیاه به رنگ‌های آبی و تیره طراحی



تصویر ۲۴- نمونه دیگری از درپوش های کندوی عسل واقع در موزه ویکتوریا و آلبرت. ماخذ: (سایت اینترنتی موزه)



تصویر ۲۳- درپوش کندوی عسل واقع در موزه ویکتوریا و آلبرت. ماخذ: (سایت اینترنتی موزه)



تصویر ۲۲- بشقاب خمیر شیشه منقوش آبی در زیر و تزیین اسگرافیتو واقع در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن. ماخذ: (سایت اینترنتی موزه)



تصویر ۲۱- بشقاب لعابدار با نقوش آبی کبالت در زمینه سفید و تصویر ناصرالدین شاه قاجار واقع در موزه ملی ایران. ماخذ: (کامبخش فرد، ۱۳۸۳)

۲۵- پایه قلبان با نقوش چند رنگ واقع در موزه طارق رجب به ارتفاع ۲۲/۵ و قطر دهانه ۳/۵ سانتی متر (تصویر ۲۵) شکل این ظرف از نمونه های تولیدات اوایل صفوی پیروی می کند اما تزیین آن بطور مشخص، شامل نقوش گل هایی به سبک قاجاری است. احتمالاً از تولیدات شهر اصفهان.

۲۶- تف دان دوره قاجار به ارتفاع ۱۲/۵ سانتی متر واقع در موزه ویکتوریا و آلبرت. طرح و شکل اصیل ایرانی این اثر تقلیدی از آثار اولیه قرن یازدهم هجری در دوران صفوی می باشد. اما رنگ و طرح آن نتوانسته است با آثار سفالی گذشته برابری کند (تصویر ۲۶).



تصویر ۲۶- تف دان دوره قاجار واقع در موزه ویکتوریا و آلبرت. ماخذ: (واتسون، ۱۳۸۲)



تصویر ۲۵- پایه قلبان با نقوش چند رنگ در موزه طارق رجب. ماخذ: (Fehrevari, 2000)

۲۷- بطری منقوش چند رنگ به ارتفاع ۲۷ و قطر دهانه ۱/۵ سانتی متر واقع در موزه طارق رجب و مربوط به اواسط دوره قاجار (تصویر ۲۷) این ظرف، بدنه ای گلابی شکل و گردن بلند مخروطی شکل دارد و بر روی یک پایه حلقوی کوتاه می ایستد. رنگ عمده بدنه آبی است که بر روی آن تزیینات سفید طراحی شده و با منگنز دورگیری شده است. همچنین برخی جزئیات نقوش تزیینی به رنگ های سبز و قرمز متمایل به قهوه ای صورت گرفته است. نقوش عمده شامل سه لک لک در حال استراحت در زمینه ای آبی رنگ است که هریک بوسیله گل های پر شکوفه از هم جدا شده اند. گردن بطری، سفید رنگ است و تزیین آن که به رنگ آبی نقش شده، در چهار قاب مخروطی عمودی با الگویی مشابه درجه نظامی قابل

د- سایر فرم ها:

۲۳- درپوش کندوی عسل واقع در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن به قطر ۸/۷۵ سانتی متر بصورت صفحه ای مدور با سوراخ کوچکی در یک گوشه آن و دارای تزیینات کتیبه ای به رنگ قهوه ای بر روی زمینه سفید با مضمون آیه «وان یکاد» که بصورت سطور جداگانه بر روی هم قرار گرفته است. حد واسط بین هر سطر نیز دو خط موازی قهوه ای رنگ که داخل آنها با پاشه های سبز پر شده، قرار دارد (تصویر ۲۳). در میان غیرمعمول ترین گونه های سفال دوران قاجار می توان به همین درپوش های کندوی عسل اشاره نمود که نمونه های آن فقط از این دوره بدست آمد است. از رایج ترین نقوش تزیینی روی درپوش ها که بعنوان نمادهای محافظ و فرخنده بکار می رفته، می توان به کتیبه های دعایی مانند ناد علی و آیه ۵۱ سوره قلم (ان یکاد) اشاره کرد. ظاهراً در ادوار گذشته، کندوهای زنبور در ایران بصورت استوانه ای افقی بودند که از نی یا نیشکر های بافته شده ساخته می شدند و سپس روی آنها با گل پوشیده می شد. سپس یکطرف کندو با یک صفحه کوچک کروی شکل سفالی مشابه همین درپوش کنونی و سمت دیگر با یک صفحه چوبی مسدود می شد. کندوها بصورت ردیف هایی روی هم قرار می گرفتند و سپس روی آنها برای محافظت در برابر سرمای شدید زمستان با کاهگل پوشیده می شد. بعدها کندوهای جعبه ای جدید بصورت فزاینده ای جایگزین اینچنین کندوهای شدند (Kazmi, 2009, 96).

۲۴- نمونه دیگری از درپوش کندوی عسل واقع در موزه ویکتوریا و آلبرت به قطر ۹/۲۵ سانتی متر با تزیین نقاشی زیر لعاب از صحنه شکار. مشتمل بر نقش مردی سوار بر اسب در حالیکه نیزه بلندی در دست دارد و در مقابل وی نقش دو بزکوهی به رنگ های آبی و سیاه مشاهده می شود. مرد پوشش کت ماندنی به رنگ آبی و کلاهی منگوله دار دارد و برای تزیین بدن اسب از نقطه چین استفاده شده است. احتمالاً این مضمون از نقوش ایران باستان مخصوصاً دوران ساسانی اقتباس شده است (تصویر ۲۴).

حکومت قاجاریه به فراموشی سپرده شده بود، مجدداً با مشخصات جدید احیا شد که البته تمایل خریداران و مجموعه داران اروپایی در این زمینه بی تاثیر نبوده است. باتوجه به گلدان زرین فام موجود در موزه طاروق رجب کویت (تصویر ۱)، این تکنیک احتمالاً برای تزئین ظروف بزرگ بکار می رفته است درحالیکه زرین فام دوران صفوی بیشتر دربرگیرنده ظروف کوچکتر مانند ابریق ها و تنگ ها بوده است. همچنین استفاده از لعاب آبی در کنار نقوش زرین فام این عصر و استفاده از نقوش گیاهی مشابه نقوش اسلیمی نیز در کنار رنگ خاص آن از ویژگی های مهم این ظروف در عصر قاجار محسوب می شود.

نمونه های بررسی شده بر اساس نوع نقش تزئینی نیز به انواع انسانی، حیوانی، کتیبه‌ای [در قالب شیوه‌های جدیدمانندکتیبه نویسی تک کلمه ای یا چند حرفی در داخل قاب های ابری شکل (تصویر ۹)، ضربدري (تصویر ۱۰) و سطری (تصویر ۲۳) با خط شکسته و مضامین شیعی، گیاهی انتزاعی (مشابه اسلیمی های روی کاشی ها) و گل ها بخصوص گل های فرنگی و گل سرخ قابل تقسیم می باشند که در دو سطح متوسط و پیشرفته طراحی شده و مشخصات آنها از برخی جهات مشابه هنر نقاشی این دوره و از برخی جهات دیگر متفاوت است. در میان مضامین نقوش تزئینی، صحنه های خیال پردازانه با حضور انسان و پرندگان در مناظر طبیعی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. همین ویژگی را تا حد زیادی در نقاشی های رنگ روغن و نقاشی لاکه ای این دوره نیز می توانیم مشاهده کنیم زیرا ذهنیت خیال پرداز و در عین حال پرداختن به جزئیات، نزد هنرمندان نقاش قاجار مرسوم و بخشی از دیدگاه و نظریه زیبایی شناسی آثار این دوره است (جلالی جعفری، ۱۳۸۲، ۷۱).

در برخی از نمونه ها بخصوص گلدان ها و کاسه های اواخر قاجار نیز تاثیرات غربی، هم در نوع ترکیبات نقوش و هم در رنگبندی مشاهده می شود. می توان گفت این دسته از سفال ها نیز از قاعده کلی دوره قاجار یعنی غرب گرایی پیروی کرده اند زیرا زبان هنر رسمی از دومین تا چهارمین شاه قاجار به کلی تغییر می کند و سنت بومی تصویرپردازی مثالی جای خود را به تقلید از شیوه طبیعت نگاری اروپایی می دهد.

از میان مشخصات عمده سبک نقاشی قاجار مانند ترکیب بندی متقارن و ایستا با عناصر افقی و عمودی منحنی، سایه پردازی مختصر و ناقص در چهره بر روی گونه ها، گردن و جامه، تلاش در جهت بکارگیری پرسپکتیو، تلفیق نقشمایه های تزئینی و تصویری و رنگ گزینی محدود با تسلط رنگ های گرم بخصوص قرمز و اهمیت اساسی پیکر انسان (پاکبان، ۱۳۷۹، ۱۵۱)، می توان گفت که اغلب این موارد در نقوش روی نمونه های سفالی نیز قابل مشاهده است. در میان انواع نقوش تزئینی، نقش انسانی از جایگاه ویژه ای برخوردار است اما برخلاف نمونه های نقاشی رنگ روغن این عصر، نشانی از تزیینات مفصل، مانند آنچه در تصاویر فتحعلی شاه وجود دارد، دیده نمی شود. در تصاویر انسانی این سفال ها مردان و زنان درباری اغلب بصورت تمام پیکر و نشسته بر روی دو زانو یا یک زانو در حال نواختن موسیقی یا عبادت یا در میان مناظر طبیعی توأم با نقش

مشاهده است. چنین به نظر می رسد که این فرم خاص تحت تاثیر نمونه های کوتاهیة عثمانی ساخته شده باشد. محل ساخت احتمالاً شهر اصفهان.

۲۸- ققمقه خمیر سنگی با نقاشی در زیر لعاب واقع در گالری هنری آرتور ساکلر نیویورک به ارتفاع ۱۵ و عرض ۱۲ سانتی متر (تصویر ۲۸) دارای بدنه کروی و دهانه تنگ کوتاه و استوانه ای شکل و دو دسته افقی کوچک در قسمت شانۀ طرف. نقش تزئینی شامل یک بوته پر برگ ظریف در سطح خارجی که در ۶ شاخه و در جهت های مختلف امتداد یافته است. زمینه تزئین به رنگ سفید و نقوش به رنگ های قهوه ای، سبز و سایه های کمرنگ آبی است. همچنین در قسمت دهانه استوانه ای نیز نقوش تزئینی بصورت خطوط موازی عمودی به رنگ آبی تیره مشاهده می شود.



تصویر ۲۸- ققمقه خمیر سنگی با نقاشی در زیر لعاب. واقع در گالری هنری آرتور ساکلر نیویورک. ماخذ: (سایت اینترنتی موزه)



تصویر ۲۷- بطری با نقوش رنگارنگ واقع در موزه طاروق رجب. ماخذ: (Fehrevari, 2000)

تحلیل فرم و تزئین نمونه های سفالی

در بررسی نمونه های ارائه شده، بیش از هر چیز تنوع گسترده فرم و تزئین هم در زمینه نقوش و هم در زمینه رنگ بندی جلب توجه می کند. برخی از فرم های جدید این دوره نشان دهنده کاربردهای جدید هنر سفالگری در زمینه های مختلف زندگی از جمله زینورداری است. همچنین رواج برخی دیگر از جمله بطری های باگردن بسیار بلند، نشان دهنده تاثیراتی از مراکز سفالگری عثمانی است. در میان رایج ترین فرم های سفالی این عصر می توان به گلدان ها اشاره کرد که از ابتدا تا انتهای این دوره یک سیر تحولی مشخص از بدنه های کروی (تصاویر ۴-۱) تا بدنه های باریک و ظریف متأثر از نمونه های غربی را نشان می دهد (تصاویر ۸-۷).

نمونه ها را بر مبنای تکنیک ساخت و تزئین می توان به دسته های آبی- سفید [با مشخصات دوره قاجار از جمله رنگ تیره تر آبی]، منقوش چندرنگ، مرمینما و زرین فام متأخر تقسیم نمود. احیای بعضی از روش های ساخت و تزئین سفالگری ادوار قبل مانند لعاب پاشیده [مرمینما]، لعاب گلی با نقوش رنگارنگ و اسگرافیاتو البته با مشخصات جدید، نشان دهنده توجه هنرمندان این عصر به نمونه های موفق قبلی است. تکنیک زرین فام که در دوره صفوی احیا شده بود و بعد از زوال حکومت صفوی تا روی کار آمدن

زنان گشت که بررسی آن می تواند بیانگر روابط احتمالی میان تصاویر و وضعیت هنری و اجتماعی در عصر قاجار باشد (احتمالاً حاتم پور غیاثی، ۱۳۸۸، ۵۳). در برخی از این نقوش، زنان را بر طبق قاعده زبانشناختی این دوران با صورت گرد و چشمان بادامی خمار و ابروان پیوسته و کمانی و بینی باریک و دهان کوچک می بینیم (تاجبخش، ۱۳۸۲، ۱۴۰).

در مقایسه نقوش سفال ها با نقوش هنر کاشیکاری قاجار نیز می توان گفت با وجود اینکه تقلید از مضامین ادوار قبل از اسلام مانند دوره ساسانی در هنر کاشیکاری این دوران بسیار رایج بود، در هنر سفالگری جایگاه چندانی نداشته است. در موارد بررسی شده، فقط تصویر سوارکار نیزه به دست در روی درپوش کندوی عسل (تصویر ۲۴) می تواند با الهام از مضامین ایران باستان طرح شده باشد.

باتوجه به مشخصات رنگبندی نمونه ها نیز می توان یک ترتیب زمانی را در رابطه با نحوه رنگ آمیزی ظروف قائل شد بطوریکه در ابتدا رنگ آبی ظروف آبی - سفید تیره تر شده و به همراه نقوش سیاه و قهوه ای بکار رفته است. در مرحله دوم رنگ های خانواده سبز به تزیین افزوده شده و در آخرین مرحله انواع رنگ های گرم شامل صورتی و قرمز و نارنجی بکار رفته است. همچنین ظروف با نقوش رنگارنگ را می توان به دسته های با رنگ های محدود بین ۳ تا ۴ رنگ و با رنگ های متنوع با بیش از ۴ رنگ تقسیم نمود که در دسته اول اغلب رنگ ها سرد و در دسته دوم اغلب گرم هستند.

پرنده تصویر شده اند. اما به نظر می رسد آن دسته از نقوش که بصورت نیم پیکر در داخل قاب های تزیینی ترسیم شده اند، نمایانگر شاهزادگان قاجاری باشند. با وجود اینکه یکی از اهداف اصلی هنر نقاشی قاجار استفاده از مضامین سیاسی به منظور القای شکوه و شوکت حاکم و سلسله قاجار بود اما در سفالگری از نقوش خود شاهان قاجار کمتر استفاده شده و بیشتر نقوش مردان و زنان جوان درباری یا شاهزادگان قاجاری مشاهده می شود.

تمام رخ نمایی و نمایش افراد از روبه رو که در این دوران با تاثیر از فن عکاسی و عکس های روزنامه نگارانه تصاویر چاپی و محصولات وارداتی غرب رواج می یابد، در رابطه با این نقوش، نیز قابل مشاهده است اما با این تفاوت که در اغلب نقوش، به جز یک مورد (تصویر ۲۱) جهت نگاه به سمت چپ یا راست نمایان شده است. از دیگر موارد قابل مقایسه بین نقوش انسانی نمونه ها با نقاشی رنگ روغن و لاک قاجار، وقار و متانت این نقوش است زیرا در نقاشی رسمی قاجار نیز حرکت کمتر دیده می شود و بیشتر نقوش انسانی با وقار، متین، جا افتاده و زین و موقرند؛ بدون خنده و خیلی جدی و کمابیش عبوس (شریف زاده، ۱۳۷۵، ۱۷۴).

همچنین نکته دیگر حضور فراوان نقوش زنان بر روی برخی از سفال هاست که از ویژگی های شاخص و عمومی هنرهای تصویری دوره قاجار است و به هنر این دوران جلوه ای زنانه داده است. نوع نگرش دربار به زنان و تنوع گونه های هنری و رونق گرفتن هنرهای مردمی موجب پدید آمدن سطح کمی و کیفی مناسبی از تصاویر

نتیجه

نقوش گیاهی انتزاعی در سطح بیرونی ظروف و قرار دادن پرتله های انسانی در داخل آنها و محور کامل نقوش چینی اشاره کرد.

بنابراین لزوم تغییر دیدگاه در رابطه با وضعیت هنر سفالگری قاجار حداقل در زمینه نمونه های درباری آن احساس می شود و به عبارت بهتر آنچه در مورد وضعیت عمومی هنر سفالگری دوره قاجار مصداق دارد در مورد سفال های تولیدی دربار صادق نیست. حتی نگارنده معتقد است بسیاری از ظروفی که امروزه تحت عنوان سفال صفوی شناخته می شود در حقیقت به دوره قاجار تعلق دارد. اما در کنار این حقیقت، نباید فراموش کنیم که تعداد آثار شاخص و با کیفیت بالا شبیه نمونه های ارائه شده، به شدت کاهش یافته و قالب تولیدات را آثار سطح پایین یا متوسط هم به لحاظ لعاب، طراحی و رنگ آمیزی نقوش تشکیل می دهد.

در پایان یادآور می شود که دیدگاه کنونی پژوهشگران در مورد هنر سفالگری دوران قاجار یک دیدگاه انکاری است که نافی هرگونه ابداع و پیشرفت در زمینه های مختلف است. در حالیکه با قبول افول کلی هنر سفالگری باید به این نکته مهم توجه داشت که در کنار انبوه نمونه های سطح پایین، بعضی نمونه های فاخر و قابل قبول نیز تولید شده اند.

در جمع بندی مطالب ذکر شده می توان گفت اولاً وضعیت هنر سفالگری دوران قاجار به تاریکی و سیاهی که اغلب تصور می شود، نبوده است؛ البته این هنر از ابتدا تا پایان دوره و از نمونه های درباری تا نمونه های عادی سایر طبقات، شرایط متفاوتی داشته است. ثانیاً علیرغم تداوم هنر سفالگری دوران صفوی در عصر قاجار و نیز تاثیر غرب بر کلیه هنرهای این دوره از جمله سفالگری، سفالینه های قاجاری به لحاظ فرم، شیوه و نقوش تزیینی دارای مشخصات منحصر به فردی نیز هستند که لزوم تغییر دیدگاه در رابطه با وضعیت هنر سفالگری این عصر را الزامی می نماید.

از جمله مهمترین مواردی که موجب تمایز سبک سفالگری عصر قاجار با دوره صفوی می شود می توان به احیای بعضی از روش های ساخت و تزیین سفالگری ادوار قبل مانند لعاب پاشیده، لعاب گلی با نقوش رنگارنگ و اسگرافیاتو البته با مشخصات جدید، تنوع بیشتر رنگ ها، استفاده از تکنیک زرین فام برای تزیین ظروف بزرگ تر، استفاده از لعاب آبی در کنار نقوش زرین فام، درشت تر و طبیعی تر شدن (غالباً) و در عین حال تنوع کمتر نقوش گیاهی، کاهش استفاده از نقوش حیوانات به استثنای پرندگان، غلبه نقوش انسانی بخصوص زنان بر سایر نقوش، ایجاد قاب های تزیینی با دسته ای از

پی‌نوشت‌ها

۱ در سال ۱۷۰۹ میلادی بود که ظروف چینی شکننده حقیقی بطور موفقیت آمیزی در اثر یک اتفاق عجیب در اروپا تولید شد. برای مدت ۹ سال قبل از این تاریخ، یک هنرمند آلمانی به نام فردریک بوتگر، برای ساخت ظروف چینی تلاش‌هایی را انجام داده بود. او با پشتیبانی مالی آگوستوس حاکم ساکسونی در میسن واقع در چند مایلی خارج از درسدن کار می‌کرد که این منطقه بعدها به سبب ظروف چینی شهرت یافت. در اروپای این دوره بیشتر مردم گیسهایی می‌پوشیدند که با پودر خاصی سفید می‌شد. در سال ۱۷۰۹ میلادی بوتگر بطور تصادفی مشاهده کرده پودر مویی که او مورد استفاده قرار می‌داد بطور ویژه ای سنگین است. در پی جستجوی علت این امر، وی کشف کرد که این سنگینی، نتیجه وجود کائولین است. بوسیله همین کائولین او موفق به تولید نخستین ظروف چینی سخت در اروپا شد. در پی این کشف بلافاصله یک کارگاه ظروف چینی در میسن توسط حامی بوتگر یعنی آگوستوس تاسیس شد. وی آنچنان مشتاق این کشف جدید شده بود که حتی آرزو کرد آن در ساخت میز و نیمکت هم مورد استفاده قرار گیرد. به مانند بسیاری از اکتشافات جدید دیگر فرایند تولید ظروف چینی در ابتدا بصورت حسودانه ای محافظت می‌شد. صنعتگران در نهانکاری مطلق کار می‌کردند و کوره‌هایشان را در پشت کوه‌های بلند دایر کرده بودند و مانند زندانیهای واقعی زندگی می‌کردند. اما در سال ۱۷۱۸ میلادی یکی از آنها به شهر وین گریخت و این راز گرانبها را افشا کرد. دهه‌های بعدی شاهد ایجاد سریع کارگاه‌های متعدد ظروف چینی سازی در فرانسه، هلند، انگلستان و کشورهای دیگر بود. بنابراین ظروف چینی اروپایی از یک ابداع جداگانه بوجود آمد که البته بطور مستقیم از انواع ظروف ظروف چینی کشور چین الهام گرفته بود. بعلاوه بیشتر تولیدات قرن ۱۸ میلادی کوره‌های اروپا بطور دقیقی از ظروف کشور چین در فنون ساخت، اشکال، و طرحها تقلید می‌کردند. علیرغم حجم گسترده ظروف چینی که بعد از این در اروپا و سایر مناطق جهان تولید شد، با اینحال هرگز نمونه قابل رقابتی با ظروف چینی اصیل ساخت کشور چین در خارج از این کشور تولید نشد (Bodde, 2004, 6-7).

۲ چنین به نظر می‌رسد که از اواخر دوران قاجار تولید سفال در اثر گرایش هنرمندان نایینی به طرف تولید فرش، متوقف شده است.

3 Sir Robert murdoch Smith.

۴ سرلشکر مرداک علاوه بر وظایفش بعنوان سرپرست اداره تلگراف ایران، علاقه زیادی به خرید آثار هنری داشت بطوریکه بخش عمده‌ای از آثار ایرانی موزه ویکتوریا توسط وی فراهم شده است (واتسون، ۱۳۸۲، ۲۴۰).

5 On the manufacture of modern kashi earthenware tiles and vases.

فهرست منابع

- بلر، شیلا و بلوم، جان‌تاتان (۱۳۸۱)، هنر و معماری اسلامی (۲)، ترجمه دکتر یعقوب آژنده، انتشارات سمت، تهران.
 پاکبان، رویین (۱۳۷۹)، نقاشی ایران از دیرباز تاکنون، انتشارات زرین و سیمین، تهران.
 تاجبخش، احمد (۱۳۸۲)، تاریخ تمدن و فرهنگ ایران در دوره قاجاریه، انتشارات نوید شیراز، شیراز.
 توحیدی، فایق (۱۳۷۹)، فن و هنر سفالگری، انتشارات سمت، تهران.
 جلالی جعفری، بهنام (۱۳۸۲)، نقاشی قاجاریه نقد زیبایی شناسی، انتشارات کاوش قلم، تهران.
 حاتم، غلامعلی و حاتم پور غیاثی، زهرا (۱۳۸۸)، زن در هنرهای تصویری دوره قاجار، نشریه هنرهای تجسمی نقش‌مایه، سال دوم، شماره سوم، صص ۶۲-۵۳.
 شریف زاده، عبدالمجید (۱۳۷۵)، تاریخ نگارگری در ایران، انتشارات حوزه هنری، تهران.
 فهوری، گزا (۱۳۸۸)، سفالگری جهان اسلام در موزه طارق رجب کویت، ترجمه مهنان شایسته فر، انتشارات مطالعات هنر اسلامی، تهران.
 کامبخش فرد، سیف‌الله (۱۳۸۳)، سفال و سفالگری در ایران (از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر)، چاپ دوم، انتشارات ققنوس، تهران.
 گرنت، واتسن (۱۳۴۸)، تاریخ ایران دوره قاجار، ترجمه وحید مازندرانی، امیرکبیر، تهران.
 واتسون، الیور (۱۳۸۲)، سفال زرین فام ایرانی، ترجمه شکوه ناکری، انتشارات سروش، تهران.

Bodde, Derk (2004), *China's Gifts to the west*, A Teaching Workbook, Asia for Educators, Columbia University.

Fehrevari, Geza (2000), *Ceramics of the islamic worlds in the Tareq Rajab museum*. Tauris.

Kazmi, Nuzhat (2009), *Islamic Art: The Past and Modern*, Roli Books.

Lane, Arthur (1957), *Later Islamic Pottery*. Faber and Faber, London.

Lane, Arthur (1971), *Later Islamic Pottery*, 2nd ed., London.

Soustiel, Jean (1985), *La céramique islamique*, Fribourg.

Watson, Oliver (2006), "Almost Hilariously Bad: Iranian Pottery in the Nineteenth Century", in *Islamic Art in the Nineteenth Century: Tradition, Innovation and Eclecticism*, ed. Doris Behrens-Abouseif and Stephen Vernoit (Leiden: Brill).